

مقاله پژوهشی: تعقیب نقض‌های حقوق بین‌الملل بشردوستانه مرتبط با شهرک‌سازی

در اراضی اشغالی فلسطین در دیوان بین‌المللی کیفری

20.1001.1.24234621.1401.12.48.7.1

صلاح امیری؛ مریم سعیدی شاهسواری؛ هدیه غلامرضایی آزاد؛ محمد قربان‌زاده

تاریخ پذیرش: ۹۸/۴/۱۷

تاریخ دریافت: ۹۸/۲/۱۲

چکیده

راهبرد حقوقی - نظامی شهرک‌سازی رژیم صهیونیستی در مناطق اشغالی فلسطین که از ابتدای تأسیس این رژیم جعلی تاکنون استمرار داشته است؛ یکی از جنبه‌های فاحش نقض حقوق بین‌الملل کیفری تلقی می‌شود. در این پژوهش نویسندگان به دنبال آن هستند تا با استناد به ماده ۴۹ کنوانسیون چهار ژنو (۱۹۴۹) و قواعد لاهه ۱۹۰۷ و همچنین ماده هشت اساسنامه دیوان بین‌الملل کیفری، اسناد سازمان ملل متحد مانند قطعنامه‌های ۴۶۵، ۲۳۳۴ (دسامبر ۲۰۱۶) شورای امنیت ملل متحد مبنی بر ممنوعیت شهرک‌سازی و انتقال جمعیت غیرنظامی رژیم صهیونیستی به اراضی اشغالی فلسطین و رویه قضایی بین‌المللی و داخلی را تعیین نمایند که آیا دکتترین حقوقی رژیم صهیونیستی راجع به شهرک‌سازی اراضی اشغالی فلسطین با توجه به موازین حقوق بین‌المللی کیفری؛ منطبق می‌باشد؟ نتیجه تحقیق حاضر بدین صورت می‌باشد که رژیم صهیونیستی با ارتکاب جنایاتی همچون تخریب مساکن و منع دسترسی فلسطینیان به منابع طبیعی‌شان، محرومیت شدید از حقوق اجتماعی و فردی و انتقال جمعیت غیرنظامی خود به سرزمین‌های اشغالی فلسطین، مرتکب جنایات جنگی بر اساس ماده ۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری شده است. با این حال، دیوان بین‌الملل کیفری در اعمال صلاحیت خود با چالش‌هایی همچون اعمال صلاحیت سرزمینی، محدودسازی دیوان به اعمال صلاحیت خویش پس از ۱۳ ژوئن ۲۰۱۴ و نحوه اجرای بازرسی‌ها مواجه می‌باشد.

کلید واژه‌ها: شهرک‌سازی، رژیم صهیونیستی، اراضی اشغالی، حقوق بین‌الملل بشردوستانه، دیوان بین‌الملل کیفری.

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) Saleh_amiri_1986@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل

۳. دانش‌آموخته مقطع دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد امارات متحده عربی

۴. استادیار حقوق بین‌الملل دانشگاه پیام نور

۱. مقدمه

شهرک‌سازی رژیم صهیونیستی در سرزمین‌های اشغالی فلسطین به‌عنوان یک سیاست راهبردی حقوقی - نظامی این رژیم از بدو تأسیس تاکنون، نقش بسیار برجسته‌تری را نسبت به سایر کشمکش‌های نظامی و غیرنظامی فلسطینیان و صهیونیست‌ها ایفاء می‌کند که به‌رغم اهمیت، تاکنون کمتر در تحقیقات فارسی و حتی لاتین بدان توجه مبسوط مبذول گردیده است. این شهرک‌سازی‌ها که از یک‌سو مغایر با حق تعیین سرنوشت فلسطینیان بوده و از سوی دیگر، حتی محکومیت دولت‌های متحد رژیم صهیونیستی و سازمان‌های بین‌المللی را در پی داشته است از جمله قطعنامه ۲۴ مین نشست کنفرانس بین‌المللی صلیب سرخ . در هر صورت، آنچه که در مقاله حاضر مورد توجه قرار گرفته است؛ نگاه مستقل به شهرک‌سازی رژیم صهیونیستی در سرزمین‌های اشغالی از منظر حقوق بین‌الملل کیفری می‌باشد.

شهرک‌سازی مستمر و بدون وقفه رژیم صهیونیستی از سال ۱۹۶۷ تاکنون فارغ از احزاب مختلف رژیم مزبور اثبات می‌نماید که سیاست مزبور، یک سیاست راهبردی و سازمان‌یافته رژیم صهیونیستی فارغ از منافع جناح‌های سیاسی رژیم مزبور می‌باشد. فعالیت‌های شهرک‌سازی رژیم صهیونیستی در شماری از شهرک‌نشین‌ها در مناطق اشغالی از ۱۲۰ هزار تن در کرانه باختری و باریکه غزه در ۱۹۹۳ به ۱۶۰ هزار تن در سال ۲۰۰۰ افزایش یافته است (Silverburg, 2002: 265).

تازه‌ترین اخبار در ارتباط با شهرک‌سازی به شکایت سازمان آزادی‌بخش فلسطین از رژیم صهیونیستی در دیوان بین‌الملل کیفری در سال ۲۰۱۴ میلادی بازمی‌گردد که به علت نقص‌ها و چالش‌های اجرایی که در این مقاله درصدد پرداختن بدان هستیم، همچنان راکد مانده است. این در حالی است که همان‌طور که درخواست ارجاع دولت فلسطینی به دیوان کیفری بین‌المللی بر مبنای مواد ۱۳ و ۱۴ اساسنامه رم مشهود است، به‌رغم ارجاع وضعیت شهرک‌سازی رژیم صهیونیستی به دیوان، همچنان این رژیم به جنایات جنگی و نسل‌کشی خود علیه فلسطینیان از طریق شهرک‌سازی‌های غیرقانونی

خود ادامه داده است و هفتاد درصد افزایش در میزان شهرک‌سازی در اراضی اشغالی فلسطین بین آوریل ۲۰۱۶ تا مارس ۲۰۱۷ در مقایسه با همین دوره زمانی در سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۱۶ را نشان داده است (The State of Palestine, 2018: para.16) و مصونیت مقامات رژیم مزبور و اتباع صهیونیستی که مسئول این جنایات هستند، به استمرار و تشدید آن‌ها کمک کرده است در تازه‌ترین تحولات صورت گرفته نیز، دولت فلسطینی ابتدا در ۲۲ مه ۲۰۱۸ میلادی، دعوای دیگری را به دفتر دادستانی دیوان کیفری بین‌المللی ارائه داد که در آن خواسته شده بود تا «به جنایات گذشته، فعلی و آینده که در حدود صلاحیت دیوان باشد و در تمامی بخش‌های قلمروی سرزمینی دولت فلسطینی ارتکاب یافته است، رسیدگی نماید» (Focarelli, 2019: 58).

۲. پیشینه شناسی

در ارتباط با موضوع مقاله حاضر، تاکنون معدود مقالات و تحقیقاتی حتی به زبان فارسی کار شده است. عمده مطالبی که به زبان فارسی موجود است، یا بر روی باریکه غزه متمرکز است یا اینکه از منظر سیاسی به موضوع رژیم صهیونیستی و فلسطین توجه نموده است. در هر صورت به چند نمونه از این آثار در ادامه اشاره شده و نکات متمایزکننده آنها از تحقیق حاضر بیان خواهد شد.

۱. مقاله با عنوان ((سیاست ابلاغی مقام معظم رهبری مبنی بر تسلیح دفاعی کرانه باختری از دیدگاه اصول حقوق بین‌الملل)) نگاشته یاری و کازرونی (۱۳۹۶) یکی از تحقیقاتی است که از منظر حقوقی بین‌المللی به موضوع تقابلات رژیم صهیونیستی و فلسطین پرداخته است. این مقاله که یافته‌های آن مبتنی بر این که سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری مبنی بر تسلیح کرانه باختری مبتنی بر سه استدلال محوری یعنی کمک به تحقق اصل تعیین سرنوشت، اجرای اصل حمایت از مستضعفان و مقابله با تروریسم است، به نظر می‌رسد که یک مرحله بعد از اثبات غیرقانونی بودن شهرک‌سازی‌های رژیم صهیونیستی باشد و بنابراین، این مقاله اصولاً ارتباطی با موضوع تحقیق فعلی ندارد؛

۲. مقاله با عنوان ((سیاست جغرافیایی و توسعه طلبی : شهرک سازی در اراضی اشغالی فلسطین)) نگاشته سجادپور و دیگران (۱۳۸۹) نیز به موضوع شهرک سازی اختصاص پیدا کرده است . با خوانش این مقاله، مشاهده می شود که بیش از آن یک که یک مقاله پژوهشی باشد یک مقاله مروری است بدین معنا که صرفا به بررسی تاریخی روند شهرک سازی و قوانین و مقرراتی که در این زمینه به تصویب رسیده اند توجه نموده اند هم چون روند شهرک سازی های صهیونیستی در بلندی های جولان، کرانه باختری رود اردن ، بیت المقدس شرقی و .. و نیز تصویب قوانین هم چون قانون الحاق جولان به رژیم صهیونیستی . بنابراین، در این مقاله، هیچ گونه جنبه نوآوری خاصی دیده نمی شود و مشخص نیست که نویسندگان در آن به دنبال اثبات یا رد چه فرضیاتی در ارتباط با شهرک سازی های صهیونیستی در اراضی اشغالی فلسطین هستند.

در تحقیقات انگلیسی، عدم کفایت تحقیقات در ارتباط با غیرقانونی بودن شهرک سازی های رژیم صهیونیستی در اراضی اشغالی فلسطین به نحو بارزتری به چشم می خورد به نحوی که عمده تحقیقات در این زمینه، موضع روشنی در ارتباط با این شهرک سازی ها اخذ نکرده اند :

۱- کتاب ((رژیم صهیونیستی، کرانه باختری و حقوق بین الملل)) نگاشته گرسون (۲۰۱۲) در بخشی به شهرک سازی های رژیم صهیونیستی در اراضی اشغالی فلسطین پرداخته است. این کتاب نیز بدون هیچ گونه تحلیلی در ارتباط با قانونی بودن یا غیرقانونی بودن روند شهرک سازی های رژیم صهیونیستی و جنایات بین المللی که در این نتیجه ارتکاب یافته است، صرفا به مرور این روند بسنده نموده است .

۲- کتاب ((قضیه فلسطین : یک رویکرد حقوق بین الملل)) نگاشته کویگلی (۲۰۰۵) نیز به موضوع شهرک سازی رژیم صهیونیستی در اراضی اشغالی فلسطین پرداخته است. با این حال، آنچه که در این کتاب مورد نظر قرار گرفته است مجددا یک رویکرد تاریخی حقوقی در زمینه تصویب قطعنامه ها در سطح مجمع

عمومی ملل متحد و شورای امنیت و ... است و نگاه نوآورانه ای به مخاطب نمی دهد.

۲. شهرک‌سازی رژیم صهیونیستی و واکنش جامعه بین‌المللی نسبت به آن

۲-۱. انواع شهرک‌های رژیم صهیونیستی در مناطق اشغالی فلسطینی:

اگرچه ماهیت شهرک‌سازی رژیم صهیونیستی در اراضی اشغالی فلسطین در هر صورت فاقد وجاهت قانونی از منظر حقوق بین‌الملل می‌باشد اما بایستی این موضوع را مدنظر قرار داد که اصولاً دوگونه شهرک‌سازی رژیم صهیونیستی در اراضی اشغالی فلسطینی انجام گرفته است. در این بخش به انواع شهرک‌سازی رژیم صهیونیستی در مناطق اشغالی فلسطینی در قالب دو بخش شهرک‌های با مجوز رژیم صهیونیستی و شهرک‌های بدون مجوز پرداخته می‌شود.

۲-۱-۱. شهرک‌های با مجوز رژیم صهیونیستی

شهرک‌های با مجوز رژیم صهیونیستی، تحت عنوان وضعیت «زمین دولتی» به شهرک‌نشین‌های صهیونیستی انتقال داده می‌شوند. در این راستا، رژیم صهیونیستی اقدام به تقسیم‌بندی شهرک‌های با مجوز خود نموده است، به‌گونه‌ای که با تعیین شهرک‌هایی تحت عنوان «مناطق با اولویت ملی»، ۶۹ درصد از هزینه خرید زمین را به‌عنوان یارانه می‌پردازد. همچنین، با پرداخت وام معادل ۲۵ هزاردلاری به خریداران این زمین‌ها، کمک‌های ساخت‌وساز نیز به آن‌ها می‌دهد. (http://www.al-monitor.com/pulse/iw/originals/2013/05/israeli_outposts_settlements_westbank.html)

۲-۱-۲. شهرک‌های بدون مجوز^۱

اگرچه ایجاد شهرک‌های بدون مجوز رژیم صهیونیستی از دهه ۹۰ آغاز شد و در ۱۹۹۶ میلادی، رژیم صهیونیستی در واکنش به فشار بین‌المللی اعلان نمود که دیگر اجازه توسعه این شهرک‌ها را نخواهد داد، اما درواقع باید رشد شهرک‌های بدون مجوز را حاصل سیاست‌های نادرست ایالات متحده پس از جنگ عراق و نیز راهبردهای سلطه‌جویانه آریل

شارون؛ نخست‌وزیر سابق رژیم صهیونیستی دانست) (http://www.al-monitor.com/pulse/iw/originals/2013/05/israeli_outposts_settlements_westbank.html؛ و «هر آنچه را به جنگ آورید، مال ماست و هر چه به جنگ نیاورید، مال ما نیست») (https://electronicintifada.net/content/settlers_attack_west_bank_farmer_twice_week/12465) به این شکل عبارت شهرک‌های بدون مجوز در ادبیات سیاسی و حقوقی رژیم صهیونیستی به وجود آمد.

بر مبنای گزارش گروه حقوق بشری صهیونیستی «یش دین»^۲ (فوریه ۲۰۱۳)، هدف از ایجاد برخی شهرک‌های بدون مجوز «ایجاد استمرار یهودیان و مرتبط نمودن شهرک‌های جدا افتاده با بلوک‌های شهرک‌ها به منظور پیشگیری از تخلیه جمعیت بعدی است». فشارها بر رژیم صهیونیستی به منظور برچیدن این شهرک‌های بدون مجوز از ۲۰۰۳ آغاز و این موضوع به عنوان یکی از الزامات رژیم صهیونیستی در سند نقشه راه صلح آمده است. با اینکه، رژیم صهیونیستی در مورد توسعه شهرک‌های بدون مجوز خود در اراضی اشغالی فلسطینی، اظهار بی‌اطلاعی می‌نماید، اما انتشار گزارش سال ۲۰۰۵ ساسون^۳، دادستان کل وقت رژیم صهیونیستی، افشاء نمود که وزارت دفاع، وزارت مسکن و ساخت و سازمان جهانی صهیونیسم، میلیون‌ها شیکل - واحد پول رژیم صهیونیستی - را به منظور ساخت «شهرک‌های غیرقانونی» در کرانه باختری اختصاص داده‌اند. البته پس از این افشاگری، بنیامین نتانیا هو در ژانویه ۲۰۱۲ میلادی یک کمیته سه نفره به ریاست قاضی سابق دیوان عالی رژیم صهیونیستی، ادmond لوی^۴، تشکیل داد که هدف خود را بررسی سه موضوع «ابعاد حقوقی اشغال رژیم صهیونیستی»، «استنتاج گزارش سال ۲۰۰۵ ساسون مبنی بر اینکه صدها شهرک غیرقانونی که در زمین‌های خصوصی فلسطینیان ساخته شده بودند، غیرقانونی هستند» و «اینکه آیا حضور رژیم صهیونیستی در کرانه باختری، اشغال می‌باشد یا نه» دانست. (http://www.globalresearch.ca/international_law_revisionism_and_the)

1. Arel Sharon
2. Yesh Din
3. The Sasson Report
4. Edmond Levy

(military. occupation. of. palestine/31876) گزارش لوی و گزارش‌های مشابه از سوی رژیم صهیونیستی خود بیانگر آن می‌باشد که رژیم صهیونیستی حتی در مورد شهرک‌سازی‌های بدون مجوز خود نیز حاضر به پذیرش غیرقانونی بودن آن نیست. رویه دولت کنونی رژیم صهیونیستی نه تنها برچیده نشدن این شهرک‌های غیرقانونی بوده، بلکه در تازه‌ترین مورد خواهان قانونی نمودن چهار شهرک بدون مجوز ماله ره‌اوام^۱، هاروئه^۲، گیوت عصف^۳ و میتزه لاجیش^۴ شده است (Zertal and Eldar, 2014: 213). مقوله برچیده نشدن شهرک‌های بدون مجوز رژیم صهیونیستی آنجا غامض‌تر می‌گردد که هیچ مجازاتی در قوانین داخلی رژیم صهیونیستی به منظور شهرک‌سازی غیرمجاز در اراضی اشغالی فلسطینی در نظر گرفته نشده است.

۲-۲. واکنش جامعه بین‌المللی

در طول بیش از پنجاه سال گذشته، شورای امنیت سازمان ملل متحد، مجمع عمومی و شورای حقوق بشر این سازمان قطعنامه‌های متعددی را به تصویب رسانیده‌اند که دلالت بر آن دارد که شهرک‌سازی‌های رژیم صهیونیستی در نقض آشکار حقوق بین‌الملل از جمله حق تعیین سرنوشت فلسطینیان است و از این رژیم خواسته است تا به‌عنوان قدرت اشغالگر تعهدات خود بر مبنای حقوق بین‌الملل را رعایت نماید. (Human Rights in Palestine and Other Occupied Arab Territories, 2009: 7) این واکنش‌ها حتی تنها بین‌المللی نبوده بلکه داخلی نیز می‌باشد، به نحوی که برای نمونه در ۱۴ سپتامبر ۱۹۶۷ کمی پس از شروع جنگ‌های شش‌روزه ۱۹۶۷، تئودور مرون، قاضی صهیونیستی، نظریه حقوقی را در ارتباط با شهرک‌سازی بیان نمود، به نحوی که: «استقرار شهرک‌سازی‌های غیرنظامی در کرانه باختری رود اردن و سایر مناطق تصرف‌شده کنوانسیون چهارم ژنو در ارتباط با حفاظت از قربانیان جنگ و به‌ویژه ممنوعیتش راجع به شهرک‌سازی (بند ششم ماده ۴۹) را نقض می‌نماید.» (Meron, 2017: 2)

1. Maaleh Rehavam
2. Haroeh
3. Givat Assaf
4. Mitzpeh Lachish

۳. توجیحات داخلی و بین‌المللی رژیم صهیونیستی در ارتباط با شهرک‌سازی

مقامات صهیونیستی با ارائه استدلال‌ات و استنادات فراوان سعی در توجیه اقدامات تخلف‌برانگیز و غیرقانونی بین‌المللی خویش نموده‌اند که در ادامه مورد اشاره قرار خواهند گرفت. بدیهی است با توجه به اشغالگر بودن رژیم صهیونیستی، هیچ‌کدام از استنادات و استدلال‌ات و قوانین مزبور واجد اثر از منظر حقوق بین‌الملل نبوده و تنها موجبات مسئولیت بین‌المللی مضاعف این رژیم را فراهم ساخته است.

۳-۱. توجیحات داخلی

رژیم صهیونیستی در ارتباط با شهرک‌سازی‌های خود در اراضی اشغالی فلسطین اقدام به تدوین و اجرای قوانینی چند نموده است. پیش‌تر در ژوئن ۱۹۶۷ میلادی، رژیم صهیونیستی اقدام در جهت وضع قانون، ایجاد صلاحیت و انجام سایر تشریفات دولتی را به سمت بیت‌المقدس شرقی توسعه داد و از این‌رو این بخش از شهر را از کرانه باختری رود اردن جدا نمود. این اقدام رژیم صهیونیستی اخیراً با تصویب قانونی با عنوان «قانون بنیادین: اورشلیم: پایتخت رژیم صهیونیستی»^۱ در سال ۱۹۷۹ همراه شد که در ماده یک خود مقرر می‌داشت: «اورشلیم، کامل و متحد، پایتخت رژیم صهیونیستی است» (Muir Watt, FernándezArroyo, 2015:214) قوانین مشابهی نسبت به منابع آبی در مناطق شهرک‌نشین صهیونیستی اعمال می‌شود، به‌گونه‌ای که مدیریت ذخایر و منابع آب در این سرزمین‌ها تحت کنترل مستقیم کمیسیون آب رژیم صهیونیستی است. (United Nations. Department of Public Information, 1990:346).

۳-۲. توجیحات بین‌المللی

استفاده از اموال خصوصی سکنه غیرنظامی در مناطق اشغالی اصولاً توسط قدرت اشغالگر ممنوع بوده و تنها بر مبنای ضرورت‌های نظامی و در مقابل پرداخت غرامت آن هم به‌صورت موقت مجاز می‌باشد. بر مبنای اطلاعات سازمان ملل متحد، رژیم صهیونیستی اعلان نموده است که بیش از ۴۰ درصد از اراضی خصوصی فلسطینیان را یا بر مبنای

ضرورت‌های نظامی یا به‌منظور استفاده برای طرح‌های کشاورزی، صنعتی و بازسازی مصادره کرده است.

۱-۲-۳. ضرورت‌های نظامی

رژیم صهیونیستی بر مبنای ضرورت‌های نظامی، اراضی اشغالی فلسطین را تحت دو عنوان «زمین دولتی» یا «مناطق محصور نظامی» مصادره می‌نماید. بر مبنای ماده ۲۳ قواعد لاهه، قدرت اشغالگر از استفاده از اموال موجود در سرزمین‌های اشغالی منع شده است، مگر آنکه برای احتیاجات ضروری نظامی باشد. ماده ۵۵ قواعد لاهه نیز قدرت اشغالگر را نه به‌عنوان «مالک» بلکه «امین» اموال سکنه محلی به رسمیت می‌شناسد. بر این اساس، اموال عمومی بایستی بر مبنای قواعد قدرت اشغالگر اداره شوند و استفاده از اموال عمومی بر رفع حوائج خصوصی منع شده است.

دیوان عالی رژیم صهیونیستی در یک رأی استثنایی دوی کات در مقابل دولت رژیم صهیونیستی معروف به قضیه الون موره رأی داد که شهرک‌سازی رژیم صهیونیستی در سرزمین‌های اشغالی فلسطین راجع به زمین‌های خصوصی که تحت تملک سکنه فلسطینی می‌باشد غیرقانونی است زمانی که برحسب منافع امنیتی غیرقابل توجیه باشد (Karayanni, 2014:36)، مرجع تشخیص این منافع امنیتی، ارتش رژیم صهیونیستی می‌باشد کما اینکه برای نمونه در صدور دستور نظامی 03/57/C مورخه ۲۴ آگوست ۲۰۱۴ در مورد مصادره یک قلمروی تجاری در منطقه نزلات عیسی فرمانداری تولاکرم اعلان شد که «غیرضروری می‌باشد تا از شهرک‌نشین‌های رژیم صهیونیستی در این منطقه حفاظت نمود» (Boisson De Chazournes and Gustavo Kohen, 2010:312). با این حال، حتی اگر قدرت اشغالگر در صدد استفاده از اموال خصوصی سکنه منطقه اشغالی باشد؛ بایستی در مقابل آن بدان‌ها پرداخت غرامت نماید. در این زمینه می‌توان به قضیه آی. جی. فاربن در نزد دادگاه نظامی بین‌المللی نورنبرگ در مورد اعتبار خرید زمین در یک قلمروی اشغالی، اشاره کرد (Dinstein, 2009:241).

۲-۲-۳. اعلان سرزمین‌های اشغالی به‌عنوان زمین‌های متروکه

بر مبنای یک دستور نظامی رژیم صهیونیستی، هرگونه اموال از جمله اموال غیرمنقول که مالک و دارنده آن پیش، در حین یا پس از جنگ ۱۹۶۷ میلادی اعراب و رژیم صهیونیستی کرانه باختری را ترک نموده باشد؛ یک مال متروکه تعریف می‌گردد که اختصاص به نهاد «متولی اموال متروکه»^۱ دارد که به نفع فرماندهی نیروهای مسلح رژیم صهیونیستی در مناطق اشغالی اقدام می‌کند. نهاد متولی اموال متروکه رژیم صهیونیستی به منظور اخذ مالکیت زمین‌های متروکه در سرزمین‌های اشغالی و مدیریت آن، همان‌گونه که مناسب تشخیص می‌دهد؛ ذی‌صلاح می‌باشد.

این نهاد می‌تواند همچنین در مواردی که مالک یا متصرف زمین، «مجهول» باشد اقدام به حیازت آن‌ها نماید. با این حال، این نهاد نسبت به حفاظت از زمین‌های متروکه تا زمان بازگشت مالک آن مسئول بوده و با بازگشت مالک، نه تنها نسبت به اموال مزبور بلکه نسبت به منافع و نمائاتی که در مدت تصرفش از زمین مزبور حاصل شده است؛ در برابر مالک متعهد می‌باشد (Efrat, 2006: 62).

۴. نقض‌های حقوق بین‌الملل بشردوستانه صورت گرفته در جریان عمل

شهرک‌سازی

۴-۱. تخریب مساکن فلسطینیان و محدود کردن دسترسی آن‌ها به منابع آبی

شهرک‌سازی رژیم صهیونیستی به‌ویژه در سه منطقه جودئا، سامریه و غزه غیرقانونی می‌باشد به‌گونه‌ای که حتی ایالات متحده آن را «مغایر با صلح» اطلاق نموده است (Grief, 2008: 566). تخریب مساکن فلسطینیان در سرزمین‌های اشغالی فلسطین نه تنها به توسعه شهرک‌سازی رژیم صهیونیستی در این مناطق بازمی‌گردد بلکه درصد قابل توجهی از آن‌ها در نتیجه عملیات نظامی رژیم صهیونیستی در سرزمین‌های مزبور منهدم شده‌اند، از جمله می‌توان به تخریب ۴۰۰ خانه در اردوگاه پناهندگان جنین در طول عملیات سپر دفاعی رژیم صهیونیستی در آوریل ۲۰۰۲ اشاره نمود که در نتیجه آن، ۲۰۰۰ فلسطینی بی‌خانمان شدند (Le More, 2008: 194). شهرک‌نشین‌ها دسترسی ۲،۴ میلیون فلسطینی سکنه

اراضی اشغالی به منابع طبیعی از جمله زمین و آب را به شدت محدود کرده‌اند، به گونه‌ای که تقریباً ۷۵ درصد از منابع آبی این نواحی به تولید محصولات کشاورزی شهرک‌نشینان صهیونیست به منظور صادرات اختصاص پیدا کرده است. این در حالی است که تا سپتامبر ۲۰۱۱ میلادی، قریب ۳۱۳ هزار نفر فلسطینی مقیم ۱۳ روستا در کرانه باختری از دسترسی به آب محروم بودند (OCHA, 2012: 21). این چنین رفتاری به‌وضوح با مقررات کنوانسیون چهارم ژنو که مقرر می‌دارد که دولت اشغالگر می‌بایستی تنها قلمروی اشغالی را اداره نموده و آن را به شیوه‌ای انجام دهد که به جمعیت محلی تحت حمایت منفعت رسانیده و وضعیت موجود را حفظ نماید؛ در تناقض می‌باشد.

۲-۴. انتقال جمعیت غیرنظامی رژیم صهیونیستی به اراضی اشغالی فلسطین

همان‌طور که مأموریت مستقل کمیته حقیقت‌یاب شورای حقوق بشر ملل متحد راجع به دلالت‌های شهرک‌های صهیونیستی بر روی حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی فلسطینیان خاطر نشان ساخته است «انتقال شهروندان رژیم صهیونیستی به اراضی اشغالی فلسطین که بر مبنای حقوق بین‌الملل بشردوستانه -کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹- و حقوق بین‌الملل کیفری -اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری- ممنوع اعلام شده است؛ نقطه محوری، رویکردها و سیاست‌های رژیم صهیونیستی می‌باشد» (Casey-Maslen, 2014: 79). شیوه شهرک‌نشینی صهیونیست‌ها در دو بخش باریکه غزه و کرانه باختری رود اردن با یکدیگر متغایر می‌باشد، بدین معنا که درحالی که تفکیک شهرک‌های صهیونیستی از بقیه منطقه در باریکه غزه، نسبتاً آسان می‌باشد، در کرانه باختری رود اردن به‌خصوص در مناطق گیوت زیو^۱ و ماله آدومیم^۲ شهرک‌های صهیونیستی تمامی منطقه را تحت پوشش قرار داده‌اند (Shapira and Tabory, 1999: 95).

انتقال جمعیت غیرنظامی قدرت اشغالگر به سرزمین‌های اشغالی به‌صراحت هم از منظر کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و هم اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری منع شده است. بند شش ماده ۴۹ کنوانسیون چهارم ژنو مقرر می‌نماید که «قدرت اشغالگر نمی‌بایستی

بخش‌هایی از جمعیت‌های غیرنظامی خود را به قلمرویی که اشغال نموده است؛ انتقال دهد» صرف‌نظر از اینکه این انتقال، ارادی یا بالاجبار باشد (Schmitt and Pejic, 2007: 530).

باین‌حال، منتقدان دو ایراد اساسی بر بند ۶ ماده ۴۹ اخذ نموده‌اند که یکی عدم شمولیت انتقال اختیاری و دیگری محدودیت زمانی آن به جنگ جهانی دوم می‌باشد. در باب ایراد اول؛ منتقدان معتقدند که ملاک موجود در بند فوق تنها شامل انتقال اجباری جمعیت غیرنظامی به قلمروی اشغالی می‌گردد و موارد اختیاری از شمول این ماده خارج می‌باشد.

از جمله استون معتقد است که «واژه «انتقال» -در بند ۶ ماده ۴۹- فی‌نفسه دلالت بر آن دارد که حرکت جمعیت از سوی اشخاص مورد نظر، اختیاری نبوده بلکه یک اقدام سلطه‌مآبانه دولت مورد نظر می‌باشد». (international-criminal- (http://www.thetower.org/article/the-court-was-a-good-idea-too-bad-the-palestinians-are-about-to-destroy-it/ در رد استدلال مربوطه تنها کافی است که به تفسیر خود کمیته بین‌المللی صلیب سرخ از بند ۶ ماده ۴۹ توجه نمود که در قسمتی تصریح می‌دارد که «در این بند، معنای واژه‌های «انتقال» و «اخراج» از معانی‌ای که آن‌ها در سایر بندهای ماده ۴۹ داشته‌اند؛ نسبتاً متفاوت بوده، زیرا که آن‌ها نه به جابه‌جایی اشخاص تحت حمایت بلکه اتباع قدرت اشغالگر اشاره دارند. از این‌رو، ظاهراً منطقی‌تر بوده و در کنفرانس دیپلماتیک -تصویب کنوانسیون چهارم ژنو- نیز خاطر نشان شده است که عبارت مورد بحث در یک مقررره منفک مجزا از ماده ۴۹ می‌باشد». در باب ایراد دوم، منتقدان از جمله رژیم صهیونیستی معتقدند که بند ۶ ماده ۴۹ تنها شامل انتقال جمعیت غیرنظامی به مناطق اشغالی در محدوده زمانی جنگ جهانی دوم و فراتر از آن از جمله در مورد فلسطینیان در سرزمین‌های اشغالی فلسطین نمی‌گردد. آن‌ها برای تقویت ادعای خود به تفسیر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ از بند شش ماده ۴۹ توجه دارند که هدف از این بند را «پیشگیری از رویه‌ای می‌داند که در طول جنگ جهانی دوم از سوی برخی از دولت‌ها که بخش‌هایی از جمعیتشان را بنا به دلایل سیاسی و نژادی و به‌منظور آنچه که ادعا می‌کردند، مستعمره کردن این سرزمین‌ها به سرزمین‌های اشغالی انتقال می‌دادند، اتخاذ شد»؛ باین‌حال، دیوان این مقررره را به این شکل تفسیر نمود که نه تنها اعزام یا انتقال اجباری جمعیت‌های غیرنظامی از آنچه در طول جنگ جهانی دوم رخ

داده است را در برمی‌گیرد بلکه هرگونه اقدامی که از سوی دولت اشغالگر به‌منظور سازمان‌دهی یا تشویق انتقال بخش‌هایی از جمعیت خود به قلمروی تحت اشغال را تحت الشمول قرار می‌دهد (Schmitt and Pejic, 2007: 531).

دلیل دیگر، تکرار این مقرر در دو سند مهم بین‌المللی دیگر؛ یعنی شق الف بند ۴ ماده ۸۵ پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ که مقرر می‌دارد «انتقال بخش‌هایی از جمعیت غیرنظامی قدرت اشغالگر در قلمرویی که اشغال کرده است»، نقض صریح این پروتکل تلقی می‌شود و ماده هشت اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری در باب جنایات جنگی در بند خود یکی از مصادیق جنایت مزبور را «اقدام دولت اشغالگر به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم برای انتقال بخش‌هایی از جمعیت غیرنظامی‌اش به سرزمینی که اشغال می‌کند یا تبعید یا انتقال تمام یا بخش‌هایی از جمعیت سرزمین اشغالی در داخل یا به خارج این سرزمین» می‌داند (Shafir, 2017: 321).

۳-۴. پاک‌سازی نژادی کردن فلسطینیان مقیم اراضی اشغالی فلسطینی توسط رژیم

صهیونیستی

پاک‌سازی نژادی درصدد آن می‌باشد تا ساختار جمعیتی یک سرزمین را تغییر دهد. این تغییر به صورتی است که نه تنها موجب توسعه سرزمینی برای یک جمعیت نشده بلکه امکانات موجود و سرزمین‌های آنان را محدود یا حذف می‌نماید؛ بنابراین در این راستا، نمی‌توان انتقال جمعیت غیرنظامی رژیم صهیونیستی به اراضی اشغالی فلسطین را در راستای بحث پاک‌سازی نژادی یهودیان مطرح نمود، چون طبق ضابطه فوق، این شهرک‌سازی‌ها موجب توسعه سرزمینی برای اقامت یهودیان شده، نه حذف فرصت‌های موجود از آن‌ها به‌مانند فلسطینیان. علاوه بر آواره ساختن جمعیت غیرنظامی قلمروی اشغالی، این اقدامات می‌تواند از طریق اقدامات ممنوعه دیگر از جمله حملات عمدی علیه غیرنظامیان، قتل، تجاوز و سایر اشکال خشونت جنسی ارتکاب پیدا نماید.

منظور از انتقال اجباری و اخراج در حقوق بین‌الملل کیفری آن‌گونه که در رأی میلسویچ در نزد دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق تصریح شده است، آن است که «اخراج به انتقال غیرارادی در فراسوی مرزهای ملی مربوط می‌شود، درحالی‌که

انتقال اجباری به انتقال غیرارادی در چارچوب یک کشور مرتبط می‌گردد».)
 (http://www.icty.org/x/file/Legal%20Library/jud_supplement/supp50-e/milosevic.htm)

این مسئله به‌ویژه از آن رو مورد بررسی است که دولت‌های مختلف رژیم صهیونیستی از دولت یتزهاک رابین (۱۹۹۲-۱۹۹۶) همواره ادعا نموده‌اند که شهرک‌سازی برای مقابله با رشد طبیعی جمعیت موجود (عرب) در اراضی اشغالی فلسطینی ضروری می‌باشد (Black, 2018: 41)

۴-۴. محرومیت شدید فلسطینیان مقیم از حقوق فردی و اجتماعی

رژیم صهیونیستی میان حقوق فلسطینیان و صهیونیست‌های مقیم قائل به ایجاد تفکیک شده است، به‌گونه‌ای که صهیونیست‌های مقیم از تمامی حقوق بر طبق قوانین رژیم صهیونیستی برخوردار بوده، درحالی‌که حقوق فلسطینیان مقیم تحت قوانین نظامی رژیم صهیونیستی اعطاء می‌شود. تفاوت‌های عمده میان این دو نظام حقوقی مختلف می‌تواند به‌وضوح در موارد ذیل مشاهده گردد: ۱- یک شهرک‌نشین صهیونیست در صورتی که متهم به ارتکاب جرمی باشد، می‌بایستی ظرف ۲۴ ساعت به اتهام او رسیدگی شود، درحالی‌که فلسطینیان مقیم می‌توانند هشت روز بدون تفهیم اتهام در بازداشت باشند؛ ۲- مدت بازداشت یک شهرک‌نشین صهیونیستی می‌تواند برای بیش از ۱۵ تا حداکثر ۳۰ روز باشد، درحالی‌که مدت بازداشت یک فلسطینی مقیم می‌تواند برای بیش از ۳۰ روز تا حداکثر ۹۰ روز بسط پیدا نماید؛ ۳- یک شهرک‌نشین صهیونیست می‌تواند دسترسی فوری به وکیل داشته باشد، درحالی‌که یک فلسطینی مقیم برای ۹۰ روز اجازه دسترسی به وکیل را ندارد. (کازرونی، ۱۳۹۴: ۲۲۶).

این تبعیض‌ها در کنار اقدامات مجرمانه صهیونیست‌های شهرک‌نشین بوده که با حمله به اراضی باقی‌مانده فلسطینی به‌صورت هفتگی در صدد تخریب آن‌ها و راندن فلسطینیان از آن می‌باشند؛ به‌طوری‌که بر مبنای گزارش گروه حقوق بشری فلسطینی، در مه ۲۰۱۳ میلادی تنها در یک هفته، ۱۳ حمله شهرک‌نشین‌های صهیونیست علیه فلسطینیان مقیم کرانه باختری به ثبت رسیده است (کازرونی، ۱۳۹۳: ۲۷۱). این رفتار مغایر با تعهدات بین‌المللی رژیم صهیونیستی به‌عنوان قدرت اشغالگر نیز می‌باشد چه آنکه بر مبنای ماده ۴۳ قواعد

کنوانسیون لاهه، دولت اشغالگر موظف است که تمامی اقدامات لازم به منظور بازگرداندن و تضمین حداکثری نظم عمومی و امنیت را در کل منطقه اشغالی بر عهده داشته باشد. (H CJ 4764/04:393-394).

کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو از سوی دولت فلسطینی و با نگاه به تبعیض‌های ساختارمدارانه رژیم صهیونیستی علیه فلسطینیان در اراضی اشغالی فلسطینی در طول دهه‌های گذشته، می‌توان با استناد به شق ج بند ۴ ماده ۸۵ پروتکل اول الحاقی که آپارتاید را یک نوع جنایت بین‌المللی جنگی دانسته است؛ نسبت به تعقیب بین‌المللی مقامات صهیونیستی از این باب اقدام نمود (Gill, 2014: 113). در هر صورت، رویه قضایی داخلی رژیم صهیونیستی نیز در چندین قضیه موضعی را همراستا با کنوانسیون‌های فوق‌الذکر اتخاذ نموده است به گونه‌ای که در قضیه ممانعت از عبور فلسطینیان از بزرگراه ۴۴۳ در کرانه باختری، دیوان عالی رژیم صهیونیستی رأی داد: «هنجارهای اصلی که به قلمروی تحت اشغال متخاصم اعمال می‌شوند؛ قواعد راجع به حقوق و عرف‌های جنگ زمینی (۱۹۰۷) الحاقی به کنوانسیون چهارم لاهه ۱۹۰۷... که حقوق بین‌الملل عرفی را منعکس می‌نمایند... به موازات قواعد حقوق بین‌الملل که نسبت به مخاصمات مسلحانه بین‌المللی اعمال می‌شوند و در کنوانسیون ژنو تقویت شده‌اند... می‌باشند...» (H CJ section 16) (2150/07).

۵. اقدامات و چالش‌های تعقیب کیفری شهرک‌سازی

۵-۱- اقدامات به منظور تعقیب قضایی بین‌المللی شهرک‌سازی

نخستین اقدام به منظور تعقیب بین‌المللی شهرک‌سازی‌های رژیم صهیونیستی در هنگام تصویب اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری رخ داد که بر مبنای آن، هفده دولت عرب طرحی را پیشنهاد نمودند که جرم انتقال جمعیت‌های غیرنظامی به مناطق اشغالی در صورتی به وقوع می‌پیوندد که مرتکب «به هر شکلی موجب، تسهیل‌کننده، مرتکب یا کمک‌کننده انتقال جمعیت غیرنظامی دولت اشغالگر به قلمرویی که اشغال نموده است، بشود».

در مقابل، الی آکیم روبین استاین^۱ دادستان کل وقت رژیم صهیونیستی که نماینده این رژیم در کنفرانس تصویب اساسنامه دیوان بود؛ در ۱۷ ژوئن ۱۹۹۸ میلادی در نطق خود گفت که اگرچه «رژیم صهیونیستی به صورت تمام و کمال از مأموریت مقدس تعقیب جنایتکاران بین‌المللی حمایت می‌کند، اما حضور نهادهای سیاسی در فرآیند تصمیم‌گیری، نمایانگر مشکلات ساختاری می‌باشد» (Herf, 2013: 207). با این حال، در پایان این طرح پیشنهادی ژاپن و مشترک کاستاریکا، مجارستان و سوئیس بود که به تصویب رسید (Matas, 2005: 79).

در نوامبر ۲۰۱۳ میلادی، یک هیئت متشکل از سه قاضی بین‌المللی به ریاست کریستین چانت^۲ (فرانسه) از سوی شورای حقوق بشر ملل متحد گزارشی را ارائه دادند که با هشدار بر اینکه شهرک‌سازی‌های رژیم صهیونیستی در سرزمین‌های اشغالی فلسطین، کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹ میلادی را نقض می‌نمایند، رژیم صهیونیستی را از انتقال جمعیت غیرنظامی‌اش به قلمروی تحت اشغال خویش برحذر داشته و جنایت مزبور را تحت الشمول ماده ۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری تحت عنوان جنایات جنگی توصیف نمود. همچنین تصریح نمود که «شهرک‌سازی‌ها منجر به الحاق تدریجی شده است که از استقرار دولت همجوار و پایای فلسطینی جلوگیری به عمل آورده و حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین را تضییع نموده است».

(<http://www.theguardian.com/world/2013/jan/31/israel-must-withdraw-settlers-icc>)

موضوعی که به عنوان یکی از اولویت‌های دولت فلسطین پس از شناسایی توسط قطعنامه ۶۷/۱۹ مجمع عمومی ملل متحد به عنوان «یک دولت غیر عضو» در ۲۹ نوامبر ۲۰۱۲ مطرح شده بود؛ اقامه دعوی در دیوان بین‌المللی کیفری علیه رژیم صهیونیستی از باب شهرک‌سازی در اراضی اشغالی فلسطینی بود. دولت فلسطین به عنوان ۱۲۳ دولت در یک آوریل ۲۰۱۵ میلادی به عضویت رسمی اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری درآمد و پیش از آن، اعلامیه پذیرش صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری را در یک ژانویه بر مبنای بند

1. Elyakim Rubinstein
2. Christine Chant

۳ ماده ۱۲ اساسنامه دیوان که به دول غیر عضو اجازه می‌داد تا صلاحیت دیوان را در وضعیت‌های خاص بر مبانی ویژه بپذیرند؛ به همراه امضای موافقت‌نامه مزایا و مصونیت‌های دیوان بین‌المللی کیفری تقدیم نمود (Vickery, 2017: 67). اگرچه رژیم صهیونیستی عضو دیوان بین‌المللی کیفری نبوده، اما می‌توان اتباع آن که در اراضی اشغالی فلسطین مرتکب جنایات جنگی یا جنایات علیه بشریت شده‌اند را مورد تعقیب بین‌المللی قرار داد. در حالی که دیوان بین‌المللی کیفری می‌تواند از تعقیب برخی جنایات بین‌المللی ارتكابی صهیونیست‌ها در اراضی اشغالی فلسطینی به دلیل اصل تکمیلی بودن و اظهار تمایل دیوان عالی رژیم صهیونیستی برای تعقیب آن‌ها اصولاً بازداشته شود.

دولت فلسطین سپس با تشکیل یک کمیته ۴۵ نفری موسوم به «کمیته عالی ملی برای هماهنگی با دیوان بین‌المللی کیفری» متشکل از جغرافی‌دانان و کارشناسان حقوقی در فوریه ۲۰۱۵ میلادی به ریاست صاعب ارکات^۱، مذاکره‌کننده ارشد ساف تصاویر، دستورهای نظامی رژیم صهیونیستی و عکس‌های هوایی که دال بر شهرک‌سازی رژیم صهیونیستی در اراضی اشغالی فلسطینی از ۱۹۹۷ میلادی بود را جمع‌آوری نمود. بر مبنای اعلان خلیل تفکجی^۲، یکی از کارشناسان این هیئت «هر شهرک پرونده، نقشه‌های ساختاری، اسناد، تصاویر و تمامی دستورات نظامی که بر روی آن داده شده است را به صورت خاص دارد» و «اطلاعات شامل سال استقرار هر یک از شهرک‌ها، به علاوه زمین‌هایی که برای ساخت آن‌ها مصادره شده است، زمین‌هایی که برای توسعه آن‌ها مصادره شده است و زمین‌هایی که رژیم صهیونیستی قصد دارد تا برای فعالیت‌های توسعه بیشتر مصادره نماید نیز می‌گردد». (<http://www.imemc.org/article/71776>)

کمیته عالی ملی برای هماهنگی با دیوان بین‌المللی کیفری در ژانویه ۲۰۱۵ میلادی، ۱۶۰ مدرک در مورد ۱۴۵ شهرک صهیونیستی واقع در کرانه باختری که حدود ۴۰۰ شهرک‌نشین صهیونیست در آن سکونت دارند، به علاوه ۱۵ شهرک در بیت‌المقدس شرقی که ۲۰۰ هزار

سکنه صهیونیست را در خود جای می‌دهد، به علاوه جنایات ارتكابی رژیم صهیونیستی در جریان عملیات لبه محافظ در باریکه غزه؛ به دیوان بین‌المللی کیفری ارائه داد.

دادستان دیوان، خانم فاتو بنسودا در ۱۶ ژانویه بر اساس شق سه بند یک ماده ۲۵ آیین‌نامه دفتر دادستان، بررسی مقدماتی در مورد وضعیت در فلسطین از جمله شهرک‌سازی رژیم صهیونیستی را در سرزمین‌های اشغالی فلسطین به‌عنوان «یک مسئله سیاسی و رویه‌ای» با رعایت «استقلال کامل و بی‌طرفی» آغاز نمود. همچنین طرف فلسطینی ضمن اعلان توافق با دیوان بین‌المللی کیفری بر سر تاریخ بازدید دادستان‌های دیوان از اراضی اشغالی فلسطینی و اجتناب از ارائه عمومی این تاریخ اظهار نمود که «بستگی به توانایی آن‌ها برای ورود به قلمرو فلسطین بدون مشکل دارد». (<http://www.presstv.ir/Detail/2015/06/25/417471/Palestine>)- Israel-ICC-Gaza-Riyad-alMaliki

در تازه‌ترین تحولات در مورد این قضیه در ژوئن ۲۰۱۸ میلادی، شعبه پیش‌رسیدگی دیوان کیفری بین‌المللی بدین منظور تشکیل گردید که در این مورد تصمیم‌گیری نماید که آیا دیوان کیفری بین‌المللی در ارتباط با رسیدگی به ادعاهای دولت فلسطینی مبنی بر ارتكاب جنایات جنگی در جریان شهرک‌سازی‌های صهیونیستی در کرانه باختری از سوی رژیم صهیونیستی دارای صلاحیت می‌باشد؟ در ۱۳ جولای ۲۰۱۸ میلادی، قضات شعبه پیش‌رسیدگی از بزه‌دیدگان فلسطینی مرتبط با بحث شهرک‌سازی‌های صهیونیستی درخواست نمودند تا اطلاعات مقتضی را در ارتباط با وجود و حدود و ثغور جنایات مقامات صهیونیستی در جریان شهرک‌سازی‌ها در اختیار دیوان قرار بدهند. باین‌حال، در آخرین تحول، شعبه دوم رسیدگی دیوان در جولای ۲۰۱۸ میلادی عنوان داشت که جبران خسارت‌ها برای آسیب‌های مرتبط با نسل‌های مختلف فلسطینی به‌واسطه شهرک‌سازی‌ها قابلیت صدور حکم را ندارند (Telesetsky, 2019: 24).

۲-۵. چالش‌های روند رسیدگی دیوان بین‌المللی کیفری به شهرک‌سازی رژیم

صهیونیستی در اراضی اشغالی فلسطینی

۱-۲-۵. اعمال صلاحیت سرزمینی دیوان

موضوعی که اغلب در بیشتر مقالات تحقیقی راجع به بررسی وضعیت فلسطینیان در مناطق تحت کنترل غیرقانونی رژیم صهیونیستی، به‌عنوان یک پیش‌فرض بدیهی در نظر گرفته شده و بدان پرداخته نمی‌شود؛ وجود وضعیت اشغال در اراضی فلسطینی می‌باشد. این در حالی است که هیچ موافقت‌نامه، قطعنامه یا توافق‌نامه الزام‌آوری وجود ندارد که صحبت از اعطای تملک سرزمین‌های فلسطینی به فلسطینیان یا اشغال رژیم صهیونیستی را کرده باشد. به‌علاوه، خود رژیم صهیونیستی نیز همواره ادعا نموده است که تعریف سنتی از اشغال که در کنوانسیون چهارم ژنو در ارتباط با وضعیت قلمرو اشغالی وجود دارد، نسبت به وضعیت رژیم صهیونیستی در این مناطق تسری پیدا نمی‌کند و بالاتر از آن، خود کنوانسیون چهارم ژنو نیز نسبتاً به مناطق اشغالی فلسطینی اعمال نمی‌گردد. استدلال دیگری نیز که از سوی رژیم صهیونیستی صورت می‌پذیرد، در مورد موافقت‌نامه موقت راجع به کرانه باختری و باریکه غزه فلسطینیان و صهیونیست‌ها موسوم به پیمان اسلو ۲ که در ۲۲ سپتامبر ۱۹۹۵ منعقد شد؛ می‌باشد که مقرر می‌داشت که مشروط به یک موافقت‌نامه وضعیت نهایی، سرزمین‌های اشغالی فلسطینی بین دولت فلسطینی و رژیم صهیونیستی تقسیم شوند. در این راستا مقرر شده بود که کنترل کرانه باختری به سه بخش «A»، «B» و «C» تقسیم‌بندی شود. بخش «A» که تقریباً ۱۸ درصد از کرانه باختری را تحت‌الشمول قرار داده و شامل مناطق شهری فلسطینی می‌شود که می‌بایستی تحت کنترل کامل دولت فلسطینی باشد؛ منطقه «B» که تقریباً ۲۲ درصد از کرانه باختری را در بر گرفته و به‌طور عمده شامل مناطق روستایی فلسطینی می‌گردد که می‌بایستی تحت کنترل غیرنظامی فلسطینیان باشد؛ درحالی‌که ارتش رژیم صهیونیستی کنترل امنیتی را در این منطقه در دست دارد. در این دو بخش به‌علاوه باریکه غزه، اختیارات و مسئولیت‌های حکومتی و اداری در دست دولت فلسطینی بوده، درحالی‌که منطقه «C» که شامل حدود ۶۰ درصد از کرانه باختری می‌گردد؛ تحت نظارت کامل رژیم صهیونیستی به‌منظور اهداف امنیتی، برنامه‌ریزی و ساخت می‌باشد.

در این راستا، استدلالاتی را می‌توان در زمینه وجود وضعیت اشغال در اراضی فلسطینی مطرح نمود: اول آنکه عمده شهرک‌سازی‌های رژیم صهیونیستی در اراضی اشغالی

فلسطینی در بخش «B» کرانه باختری که تحت کنترل انحصاری فلسطینیان بر طبق پیمان اسلو ۲ می‌باشد؛ استقرار یافته است. دوم پیمان اسلو ۲ نمی‌تواند معیار لازم‌الاجرای در زمینه تعیین مرزهای رژیم صهیونیستی و فلسطینیان شود، چراکه همان‌گونه که در متن آن تصریح شده است بایستی منجر به یک موافقت‌نامه نهایی گردد که چنین موافقت‌نامه‌ای هنوز حاصل نشده است و برعکس در این زمینه بایستی به خطوط آتش‌بس موسوم به خط سبز میان اعراب و رژیم صهیونیستی و موافقت‌نامه انعقادی آتش‌بس میان دولت اردن و رژیم صهیونیستی در این راستا استناد نمود. بر مبنای قطعنامه‌های ۶۲ و ۷۳ شورای امنیت ملل متحد، طرفین ملتزم هستند تا این مرزها را مشروط بر یک توافق نهایی مذاکره‌شده راجع به مرزها مراعات نمایند.

در طول جلسه ۴۳۳ شورای امنیت، نماینده رژیم صهیونیستی در ملل متحد اظهار نمود: «خطوط آتش‌بس تنها نیروهای مسلح را از یکدیگر تفکیک نمی‌کنند. آن‌ها مناطق به‌وضوح تعیین شده باصلاحیت کامل غیرنظامی را مشخص می‌نمایند. دولت، دادگاه‌ها و مقامات امنیتی هر کدام از طرفین ذیربط به‌آسانی و بدون اعتراض تا مرزهای ذیربط آتش‌بس به اعمال صلاحیت می‌پردازند. از این رو، این خطوط از ویژگی‌های معمول مرزهای موقت برخوردارند یعنی تا زمانی که فرآیند جدید مذاکره انجام و توافق به حل و فصل نهایی اختلافات سرزمینی حاصل شود...».

(http://www.un.org/ga/search/view_doc.asp?symbol=S/PV.433)

اشغالگر بودن رژیم صهیونیستی به کرات در اسناد غیر الزام‌آور بین‌المللی همچون قطعنامه‌های مجمع عمومی ملل متحد و در رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه دیوار حائل نیز به کرات تکرار شده است؛ به طوری که در بند ۱۲۰ همین رأی تصریح شده است: «در سال ۱۹۷۷ میلادی، رژیم صهیونیستی سیاست و رویکردهای استقرار شهرک‌ها در قلمرو اشغالی فلسطین برخلاف التزامات ماده ۴۹ کنوانسیون چهارم ژنو را انجام و توسعه داده است»؛ تکرارپذیر بودن این موضوع خود نشان‌دهنده تشکیل یک قاعده عرفی بین‌المللی مبنی بر وجود وضعیت اشغال در اراضی فلسطینی می‌باشد.

۲-۲-۵. محدودسازی دیوان به اعمال صلاحیت خویش پس از ۱۳ ژوئن ۲۰۱۴

دولت فلسطین پس از عضویت در دیوان بین‌المللی کیفری در «اعلامیه پذیرش صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری» تصریح نمود که صلاحیت دیوان را نسبت به جنایات بین‌المللی ارتكابی در سرزمین‌های اشغالی فلسطین از جمله بیت‌المقدس شرقی از «۱۳ ژوئن ۲۰۱۴»، یعنی زمان آغاز عملیات لبه محافظ رژیم صهیونیستی به رسمیت شناخته است. مفهوم مخالف این اعلامیه آن است که دیوان اصولاً به جنایات ارتكابی در سرزمین‌های اشغالی فلسطین از جمله شهرک‌سازی رژیم صهیونیستی پیش از ۱۳ ژوئن ۲۰۱۴ میلادی، صلاحیت رسیدگی ندارد.

۳-۲-۵. روند بازرسی‌ها

یکی از چالش‌های اصلی در زمینه بازرسی دیوان بین‌المللی کیفری است که اول اینکه دیوان کیفری بین‌المللی فاقد یک قدرت اجرایی یا انتظامی برای اجرای قرارها و آرای صادره از سوی خود است و این موضوع در روند بازرسی‌ها نیز ایجاد مشکل می‌نماید (Hussein Adem, 2019: 89). دوم اینکه رژیم صهیونیستی تمامی مسیرهای منتهی به کرانه باختری رود اردن را کنترل نموده، ضمن آنکه به دلیل بستن مرزها از سوی مصر، تنها راه رسمی ورود به باریکه غزه، از طریق رژیم صهیونیستی می‌باشد. بنابراین، در صورت عدم همکاری رژیم صهیونیستی با بازرسان کما اینکه به شدت با آن مخالفت نموده است؛ نمی‌توان شاهد بازرسی جامع از شهرک‌نشینی‌های رژیم صهیونیستی بود. (Kittrie, 2016: 228).

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

۱-۶. نتیجه‌گیری

شهرک‌سازی‌های رژیم صهیونیستی در مرزهای به رسمیت شناخته شده بین‌المللی ۱۹۶۷ میلادی فلسطین توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد به عنوان یک سیاست راهبردی از سوی این رژیم از ابتدای تأسیس آن تا به امروز وجود داشته و توسعه پیدا کرده است. علاوه بر این، خود این شهرک‌سازی‌ها مخالف قوانین حقوق بین‌الملل بشردوستانه به موجب کنوانسیون سوم ژنو حقوق بین‌الملل بشردوستانه از جمله ممنوعیت دولت اشغالگر

از انتقال جمعیت غیرنظامی خود به سرزمین‌های اشغالی و اخراج سکنه بومی این سرزمین‌ها می‌باشد.

باین حال، تعقیب دادستانی دیوان اگرچه نقطه تحول مثبتی در توجه جامعه جهانی به ابعاد نقض آمیز حقوقی بین‌المللی شهرک‌سازی‌ها تلقی می‌شود اما با موانع متعددی همچون عدم پذیرش ورود دفتر دادستانی دیوان به سرزمین‌های اشغالی توسط رژیم اشغالگر صهیونیستی روبه‌رو می‌باشد.

۲-۶. پیشنهادها

۱-۲-۶. استفاده از ظرفیت دادستانی دیوان بین‌المللی کیفری

صلاحیت مستقل دادستانی دیوان بین‌المللی کیفری برای بررسی مقدماتی، یکی از موارد بحث‌برانگیز در طول مذاکرات اساسنامه رم و یکی از جنبه‌های اساسی سیستم اتهامی می‌باشد (Kuczyńska, 2015:64). جالب توجه آن است که اصلی‌ترین دلیل ایالات متحده برای عدم پذیرش صلاحیت دیوان نیز همین موضوع بوده است. این اختیارات اکنون در مواد ۱۳(ج)، ۱۵ و ۵۳(۱) این اساسنامه درج شده است. در این مرحله بر مبنای بند یک ماده ۵۳ اساسنامه دیوان، دادستان بایستی موضوعات صلاحیت، قابلیت پذیرش و منافع عدالت را در نظر بگیرد. بر مبنای مواد فوق، دادستان می‌تواند در ارتباط با اطلاعات واصله یک جرم ادعایی ارتکاب‌یافته در صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری، بررسی مقدماتی را انجام دهد. بدیهی است که این بررسی، مستقل از مواردی است که یک دولت عضو با صدور اعلامیه خواستار اعمال صلاحیت دیوان و تحقیقات پیرامون نقض‌های صورت‌گرفته می‌گردد. دادستان می‌تواند در این راستا از ارکان سازمان ملل متحد، دولت‌ها، سازمان‌های غیردولتی و سایر منابع معتبر، کمک بگیرد. از ماده ۱۸ اساسنامه نیز این چنین استنتاج می‌شود که دادستان در آغاز بررسی مقدماتی نیاز به اخذ مجوز از هیچ نهاد درون‌سازمانی و برون‌سازمانی را ندارد.

دادستانی دیوان تاکنون در دو وضعیت از اختیارات مستقل بررسی مقدماتی خویش بهره گرفته است که در هر دو مورد درخواست وی مورد پذیرش شعبه پیش از دادرسی دیوان قرار گرفته است. نخستین آن در مورد استمرار تحقیقات در جنگ داخلی در کنیا بود که در

۳۱ مارس ۲۰۱۰، شعبه پیش از دادرسی به دادستانی اجازه داد تا تحقیقات خود را ادامه دهد. دومین وضعیتی که دادستانی دیوان در آن اختیارات تحقیقاتی مستقل خویش را اعمال نمود، در مورد وضعیت در ساحل عاج بود. (Birdsall, 2009: 125).

۲-۶. استفاده از ظرفیت سازمان همکاری‌های اسلامی برای ارجاع وضعیت فلسطین به دیوان کیفری بین‌المللی از طریق شورای امنیت

به نظر می‌رسد که بهترین روش در ارجاع وضعیت شهرک‌سازی به شورای امنیت ارجاع از طریق سازمان همکاری اسلامی به‌عنوان تنها سازمان بین‌المللی اسلامی که هدف از تأسیس آن مبارزه با اشغالگری قدس اعلام شده است، در چارچوب همکاری‌های سازمان ملل متحد و سازمان‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای باشد. اگرچه این ظرفیت با توجه به مخالفت‌های قطعی دولت‌های حامی رژیم صهیونیستی در شورای امنیت در رأس آن‌ها ایالات متحده، فرانسه و بریتانیا، یک فرض بعید به نظر می‌رسد اما می‌توان با استناد به اینکه شهرک‌سازی‌های رژیم صهیونیستی موجب تهدید صلح، نقض صلح یا تجاوز سرزمینی شده است، شورای امنیت با ارجاع موضوع به دادستانی دیوان کیفری بین‌المللی، خواستار اعمال صلاحیت دیوان شود. در این چنین فرضی، دیگر رژیم صهیونیستی نمی‌تواند به عدم عضویت خود در اساسنامه رم به‌عنوان یک مانع اصلی برای روند تحقیقات و تعقیب قضایی دیوان کیفری بین‌المللی اشاره نماید.

۳-۲-۶. استفاده از تجربیات بین‌المللی اخیر در باب اخراج و انتقال اجباری جمعیت غیرنظامی در بحران روهینگیا در ارجاع وضعیت به دیوان کیفری بین‌المللی

یکی از پیشنهادات سازنده می‌تواند استفاده از تجربیات بین‌المللی اخیر در باب اخراج و انتقال اجباری جمعیت غیرنظامی در بحران روهینگیا در ارجاع وضعیت به دیوان کیفری بین‌المللی باشد. اگرچه فلسطین خود از رژیم صهیونیستی در دیوان کیفری بین‌المللی طرح دعوی نموده است اما با توجه به اینکه جمعیت فلسطینی در طول دهه‌های مختلف به کشورهای اطراف به اجبار به سبب شهرک‌سازی‌های غیرقانونی رژیم صهیونیستی انتقال داده شده‌اند، دولت‌های آن‌ها می‌توانند با کسب تجربیات بین‌المللی اخیر دعوی در خصوص ارجاع وضعیت برمه به دیوان کیفری بین‌المللی به سبب اخراج و انتقال اجباری جمعیت غیرنظامی مسلمان در بحران روهینگیا استفاده نمایند، گرچه در این قضیه نیز برمه

مانند رژیم صهیونیستی عضو اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نبود. قطعاً طرح دعوی دسته‌جمعی شماری از دولت‌های اسلامی که میزبان جمعیت فلسطینی هستند که در اثر شهرک‌سازی‌های غیرقانونی، مجبور به ترک سرزمین‌های خودشان شده‌اند، می‌تواند روند تحقیقات و تعقیب کیفری مقامات صهیونیستی در دیوان کیفری بین‌المللی را وارد مرحله تازه‌ای نماید.

فهرست منابع و مآخذ

الف. فارسی

- اسدی، بیژن (۱۳۷۹)، *صهیونیسم سیاسی: تبدیل آرمان مذهبی به آرمان سیاسی، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: اسرائیل‌شناسی-آمریکاشناسی*، جلد چهارم، صص ۱-۰.
- سجادیپور، سیدمحمد کاظم؛ حاج زرگرباشی، سید روح الله و آجورلو، حسین (۱۳۸۹)، سیاست جغرافیایی و توسعه طلبی: شهرک سازی در اراضی اشغالی، *فصلنامه روابط خارجی*، سال دوم، شماره چهارم، صص ۴۶-۱۱۱.
- کازرونی، سید مصطفی (۱۳۹۴)، *پناهندگی در حقوق بین‌الملل*، انتشارات نگاه بینه.
- کازرونی، سید مصطفی (۱۳۹۳)، *مسئولیت حمایت در حقوق بین‌الملل*، انتشارات نگاه بینه.
- یاری، احسان و کازرونی، سید مصطفی (۱۳۹۶)؛ سیاست ابلاغی مقام معظم رهبری مبنی بر تسلیح دفاعی کرانه باختری از دیدگاه اصول حقوق بین‌الملل، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، سال پانزدهم، شماره ۵۸، صص ۹۵-۱۳۰.

ب. انگلیسی

- Birdsall, Andrea, (2009), *The International Politics of Judicial Intervention: Creating a More Just Order*, Routledge
- Black, Ian, (2018) , *Enemies and Neighbors: Arabs and Jews in Palestine and Israel, 1917-2017*, Grove/Atlantic, Incorporated
- Boisson De Chazournes, Laurence and Gustavo Kohen, Marcelo, (2010) , *International Law and the Quest for Its Implementation: Liber Amicorum Vera Gowlland-Debbas*, BRILL
- Casey-Maslen, Stuart, (2014) , *The War Report: Armed Conflict in 2013*, Oxford University Press.
- Dinstein, Yoram, (2009) , *The International Law of Belligerent Occupation*, Cambridge University Press
- Efrat, Elisha, (2006) , *The West Bank and Gaza Strip: A Geography of Occupation and Disengagement*, Routledge
- Focarelli, Carlo, (2019) , *International Law*, Edward Elgar Publishing
- Gerson, Allan , (2012) , *Israel, The West Bank and International Law* , Routledge .
- Gill, Terry D., (2014) , *Yearbook of International Humanitarian Law 2013*, Springer

- Grief, Howard,(2008) , *The Legal Foundation and Borders of Israel Under International Law: A Treatise on Jewish Sovereignty Over the Land of Israel*, Mazo Publishers
- *HCJ 2150/07 Ali Hussein Mahmoud Abu Safiya v Minister of Defense.*(2009) Decision from 2009, section 16.
- *HCJ 3969/06 Head of Village of Deir Samet, Mohammed Abd Mahmoud al-Haroub et al. v Commander of IDF Forces in the West Bank et al.*(2009), Section 10.
- *HCJ 4764/04 Physicians for Human Rights v IDF Commander in Gaza. PD 58(5)*, (2009) 385, pp. 393-394.
- Herf, Jeffrey,(2013) , *Anti-Semitism and Anti-Zionism in Historical Perspective: Convergence and Divergence*, Routledge.
- Human Rights In Palestine And Other Occupied Arab Territories(2009) *Report of the United Nations Fact. Finding Mission on the Gaza Conflict*, A/HRC/12/48. 25
- Hussein Adem, Seada,(2019) , *Palestine and the International Criminal Court*, Springer
- Karayanni, Michael,(2014) , *Conflicts in a Conflict: A Conflict of Laws Case Study on Israel and the Palestinian Territories*, Oxford University Press
- Kitzrie, Orde F.,(2016) , *Lawfare: Law as a Weapon of War*, Oxford University Press
- Kuczyńska, Hanna,(2015) , *The Accusation Model Before the International Criminal Court*, Springer
- Le More, Anne,(2008) , *International Assistance to the Palestinians After Oslo: Political Guilt, Wasted Money*, Routledge
- Meron, Theodor,(2017) , The West Bank And International Humanitarian Law On The Eve Of The Fiftieth Anniversary Of The Six. Day War. *AJIL*
- Muir Watt, Horatia; Fernández Arroyo, Diego P. ,(2015) , *Private International Law and Global Governance*, Oxford University Press
- OCHA,(2012) , How Dispossession Happens, The Humanitarian Impact of the Takeover of Palestine Water Springs by Israel Settlers, *OCHA*.
- Peters, Joel and Newman, David,(2013) , *Routledge Handbook on the Israeli-Palestinian Conflict*, Routledge
- Quigley, John ,(2005) , *The Case for Palestine : An International Law Perspective* , Duke University Press
- Schmitt, Michael N. and Pejic, Jelena,(2007) , *International Law And Armed Conflict, Exploring the Faultlines: Essays in Honour of Yoram Dinstein*, Martinus Nijhoff Publishers
- Shafir, Gershon,(2017) , *A Half Century of Occupation: Israel, Palestine, and the World's Most Intractable Conflict*, Univ of California Press
- Silverburg, Sanford R.,(2002) , *Palestine and International Law: Essays on Politics and Economics*;; McFarland
- Telesetsky, Anastasia,(2019) , *Updates and Commentary in Public International Law*, Wolters Kluwer Law & Business.

- The State of Palestine, (2018) , *Referral by the State of Palestine Pursuant to Articles 13(a) and 14 of the Rome Statute*,. also is accessible through: https://www.icc. cpj.int/itemsDocuments/2018. 05. 22_ref. palestine.pdf
- United Nations. Department of Public Information,(1990) , *Yearbook of the United Nations. 39. 1985*, Martinus Nijhoff Publishers
- Vickety, Matthew, (2017) , *Employing the Enemy: The Story of Palestinian Labourers on Israeli Settlements*, Zed Books Limited
- www.un.org/ga/search/view_doc.asp?symbol=S/PV.433
- www.presstv.ir/Detail/2015/06/25/417471/Palestine-Israel-ICC-Gaza-Riyad-alMaliki
- www.imemc.org/article/71776
- www.theguardian.com/world/2013/jan/31/israel-must-withdraw-settlers-icc
- www.icty.org/x/file/Legal%20Library/jud_supplement/supp50-e/milosevic.htm
- www.globalresearch.ca/international. law. revisionism. and. the. military. occupation. of. palestine/31876
- www.al. monitor.com/pulse/iw/originals/2013/05/israeli. outposts. settlements. westbank.html
- www.al. monitor.com/pulse/iw/originals/2013/05/israeli. outposts. settlements. westbank.html
- www.electronicintifada.net/content/settlers. attack. west. bank. farmer. twice. week/12465